

## «زن و مطالعات خانواده»

سال چهارم - شماره چهاردهم - زمستان ۱۳۹۰

ص ۱۷۲ - ۱۴۳

تاریخ ارسال: ۹۱/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۲/۱۹

## بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان های دخترانه شهر اهواز)

محمود یعقوبی دوست<sup>۱</sup>  
دکتر حلیمه عنایت<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش باهدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان در شهر اهواز اجرا گردیده است. و از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر نوجوان مقطع دبیرستان شهر اهواز و والدین آنها بوده است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۳۸۴ نفر آنها به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از چهار پرسشنامه "کودک آزاری و ضربه (CTQ) برنستاین (۱۹۹۵)، مقیاس پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین (SES) دانکن، انزوای اجتماعی راسل (UCLA) ۱۹۷۶، مقیاس حمایت عاطفی ادراک شده (MSPSS) زیمت و همکاران (۱۹۹۸) به عنوان ابزار سنجش استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری، انحراف استاندارد، آزمون t، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. براساس یافته‌های این پژوهش بین متغیرهای "انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و جمعیت خانوار" با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد. و نتایج بدست آمده از رگرسیون چند گانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش‌بینی بالای متغیر وابسته داشته است. با توجه به یافته‌های موجود تحقیق حاضر، این مسأله نیازمند توجه هر چه بیشتر خانواده‌ها و مسؤولان جهت پیشگیری، کنترل و کاهش تبعات منفی آن را در سطح خانواده و جامعه نشان می‌دهد.

### واژه‌های کلیدی:

خشونت خانگی نسبت به فرزندان، انزوای اجتماعی، حمایت عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، جمعیت خانوار، دختران نوجوان

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول مقاله) m\_4162004@yahoo.com

<sup>۲</sup>. عضو هیات علمی (دانشیار) دانشگاه شیراز، گروه جامعه‌شناسی، فارس- ایران Henayat@rose.shirazu.ac.ir

## مقدمه

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در جوامع انسانی نهاد خانواده است که تکوین و پرورش شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد (فرجاد، ۱۳۷۷: ۴۴)، و به منزله زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین، و حمایت از آن و هدایتش به جایگاهی واقعی و متعالی، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی، و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی است.

اهمیت خانواده از این روست که نه تنها محیطی مناسبی برای همسران است بلکه وظیفه‌ی جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز برعهده دارد. در حال حاضر خانواده‌ها دچار انواع آسیب‌پذیری و بحران هستند که برخی از آنها عبارتند از: طلاق، اختلاف و تضادهای زناشویی، بدرفتاری با افراد مسن، خودکشی، کودک‌آزاری<sup>۱</sup>، فرار کودکان، خشونت خانگی.

خشونت خانگی<sup>۲</sup> یک بلای جهانی است که پیکر خانواده و جامعه را تخریب و سلامتی افراد را تهدید می‌کند و شمار بسیاری را مجروح و دچار مشکلات جسمی، جنسی، و روانی می‌گرداند (سجادی فر، ۱۳۸۱: ۱۱). این خشونت در محیط خصوصی رخ می‌دهد و معمولاً زنان و کودکان قربانیان طراز اول آن به شمار می‌روند (اسفندآبادی و امامی پور، ۱۳۸۲).

خشونت خانوادگی را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر بدان‌ها متوسل می‌شود (پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۴: ۲۴). شکتر و گنلی<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، با ارائه تعریفی جامع و کامل از خشونت خانوادگی، آن را عبارت از «رفتارهای هجومی و سرکوب‌گرانه، از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی و روانی و همچنین اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارد» می‌دانند.

<sup>1</sup> -Child abuse

<sup>2</sup> -Domestic violence

<sup>3</sup> -S.schehcter& D Ganley

خشونت‌های خانوادگی چندین زیر گروه مجزا از قبیل کودک آزاری (جسمی)<sup>۱</sup> و جنسی<sup>۲</sup>، عاطفی<sup>۳</sup> و غفلت<sup>۴</sup> همسر آزاری<sup>۵</sup> و سالمند آزاری<sup>۶</sup> دارد.

خشونت علیه کودکان مشکل میلیون‌ها کودک و خانواده است و در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد و اثرات آن روی کودکان از هر نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی و مذهب چشمگیری است و آثار آن در تمام دوره رشدی فرد وجود دارد. ولی مشاهده می‌شود که تحقیقات صورت گرفته در خصوص آن در مراحل ابتدایی می‌باشد و حتی گزارش‌های مربوط به آن کامل نیست و بسیاری از موارد گزارش نمی‌شوند، به همین دلیل آمار و ارقام واقعی بیش از موارد گزارش شده است. علت این مسأله آن است که اعتقادات و نگرش‌های افراد نسبت به آزار کودکان متفاوت است و والدین نیز از ترس پی‌گیری‌های قانونی این موارد را گزارش نمی‌کنند و کودکان نیز ممکن است وجود این خشونت‌ها را طبیعی بدانند و یا این‌که به دلیل حس وفاداری نسبت به والدین و نیز به واسطه سن کم، قادر به بیان موضوع نباشند (مارواستی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ ایستیونسون، ۱۹۸۹، شر و همکاران، ۲۰۰۴). طبق آمار سازمان بهداشت جهانی<sup>۸</sup> در سال (۲۰۰۵) چهل میلیون کودک در سراسر جهان در معرض انواع کودک آزاری قرار گرفته‌اند. یونیسف<sup>۹</sup> نیز در همین سال طی گزارشی از کشته شدن ۳۵۰۰ کودک در اثر خشونت فیزیکی و غفلت خبر داده است، آمارهای مختلف حتی در کشورهای پیشرفته تخمینی است و موارد واقعی همیشه بیشتر از آمارهای رسمی بوده است. در هر حال کودک آزاری از هر نوعی که باشد در هر جامعه‌ای ناپسند است و در بسیاری از کشورها جرم تلقی می‌شود و عواقب قانونی دارد (خوشایی، ۱۳۸۲: ۱۳۱) (براون، ۱۹۹۸: ۱۰۶۵)<sup>۱۰</sup>.

<sup>۱</sup>-Physical child Abuse

<sup>۲</sup>-Sexual child abuse

<sup>۳</sup>- Emotional

<sup>۴</sup>-Neglect

<sup>۵</sup>-Spouse abuse

<sup>۶</sup>-Elder abuse

<sup>۷</sup>-Marvasti

<sup>۸</sup>-The World Health Organization

<sup>۹</sup>-UNICEF

<sup>۱۰</sup>-Brown

در آمریکا، براساس گزارش آژانس‌های خدماتی-حمایتی کودکان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۵، روزانه در حدود ۱۵ تا ۱۰۰۰ کودک زیر ۱۸ سال قربانی سوءرفتار جسمی، سوءاستفاده جنسی یا غفلت (سهل‌انگاری) قرار گرفته بودند (مولر و همکاران، ۲۰۰۰: ۴۵۰).<sup>۲</sup>

عوامل زیادی در بروز خشونت نسبت به کودکان نقش دارند. والدین آزار دهنده، اغلب خود قربانی سوءرفتار جنسی و جسمی بوده‌اند. شرایط زندگی پرسترس نظیر تراکم و فقر، انزوای اجتماعی، فقدان نظام حمایتی و سوءمصرف مواد از سوی والدین، سطح استرس را در خانواده‌های آسیب‌پذیر بالا برده و احتمال رفتار خشن و مسامحه را در مورد کودکان افزایش می‌دهد (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۳).

لئونارد<sup>۳</sup> و جاکوب<sup>۴</sup> (۱۹۸۸) نشان دادند که ۴۰٪ بزرگسالانی که ملاک‌های مربوط به رفتارهای آزار جسمی کودک را از خود نشان داده بودند، مبتلا به اختلال مصرف دارو و الکل در زندگی‌شان بوده‌اند. باردی<sup>۵</sup> و تارلی<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) نیز به ویژگی‌هایی مثل طبقه اجتماعی، بیکاری پدر و اعتیاد او در وقوع آزار اشاره کرده‌اند. میلنر<sup>۷</sup> (۱۹۹۲) نشان داد که نمرات کودک‌آزاری به طور معناداری با دو عامل درآمد و سطح سواد والدین رابطه دارد. نتایج پژوهش خضروی افلاک‌فر (۱۳۷۵) بر روی ۱۱۲ کودک که به بخش روان‌پزشکی اطفال مراجعه کرده بودند حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف، انزوا و عدم حمایت اجتماعی، پایین بودن تحصیلات والدین، داشتن مشکلات یادگیری در کودکان، پایین بودن سن والدین و فرزند اول تا سوم بودن، با شیوع بالاتر کودک-آزاری ارتباط دارد ضمن آنکه شایع‌ترین نوع آزار، آزار جسمی و شایع‌ترین آزار جسمی، کتک شدید منجر به اختلالات جسمی می‌باشد.

آنچه این مسأله را در جوامع سنتی و در حال گذار برجسته تر می‌سازد آن است که به دلایل فرهنگی این کشورها، با وجود افزایش فراوانی و پیامدهای جدی این مسئله هنوز توجه و نگرانی عمده‌ای به آن جلب نشده است (دوکی، ۲۰۰۳: ۱۶۵).<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup>-US Department of Health and Human Services

<sup>۲</sup>-Muller, et al.

<sup>۳</sup>-Leonard, K.E.

<sup>۴</sup>-Jacob, T.

<sup>۵</sup>- Bardi, M.

<sup>۶</sup>-Tarli, S.M.

<sup>۷</sup>- Milner, J.S.

<sup>۸</sup>- Douki

در جامعه امروزی ایران به دلایلی چون نظام خانوادگی مردسالار و خرده فرهنگ‌های سنتی و عشایری، فقر، بیکاری، عدم بکارگیری شیوه‌های فرزندپروری صحیح، تحصیلات پایین، عدم حمایت‌های اجتماعی خانواده، افزایش طلاق، افزایش گرایش به مواد مخدر، جمعیت زیاد خانواده، کاهش میزان دینداری خانواده و موارد متعدد دیگر روز به روز خشونت خانگی علیه کودکان در حال افزایش است. و این عوامل موجب ظهور پیامدهای زیانباری در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌گردد نظیر: رفتارهای پرخاشگرانه، اضطراب، عزت نفس پایین، بزهکاری، فرار از منزل، خودکشی، گرایش به مصرف مواد مخدر و آسیب‌های متعدد اجتماعی دیگر (محمد خانی، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

فقدان آمار دقیق در این زمینه در کشور ما به منزله این معضل و مشکل اجتماعی نیست، بلکه نشان از بی‌توجهی ما به این آسیب اجتماعی است. چراکه درج مطالب زیادی در جراید، گزارش‌های پزشکی قانونی، آمارهای منتشرشده از سوی انجمن حمایت از حقوق کودکان و بالاخره راه‌اندازی و توسعه خط کودک آزاری<sup>۱</sup> توسط سازمان بهزیستی مبین این واقعیت تلخ است که این معضل اجتماعی به دلیل اینکه عمدتاً در محیط خانواده و از سوی اعضای خانواده و بستگان صورت می‌گیرد به صورت پنهان در جامعه ما رواج دارد و هر ساله از میان کودکان معصوم و بی‌گناه قربانی می‌گیرد.

امروزه شدت آثار فردی، اجتماعی و خانوادگی خشونت علیه کودکان و آثار گسترده و وسیع آن بر افکار عمومی، ضرورت بررسی همه جانبه آن را به عنوان یک اولویت می‌تواند در دستور کار تصمیم‌گیرندگان اجتماعی، مسؤولان سلامت روان و پژوهشگران مسائل روانی - اجتماعی قرار دهد.

این پژوهش با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان در شهر اهواز انجام شد. لذا توجه به این مسأله و ارائه راه‌حل‌های علمی و کاربردی می‌تواند در سلامت جامعه و خانواده نقش اساسی و تعیین‌کننده داشته باشد. در این راستا تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر روی این سوال است که عوامل جامعه‌شناختی " انزوای اجتماعی، حمایت عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، جمعیت خانوار " تا چه حد با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان مرتبط هستند؟

<sup>۱</sup> -hotline

با توجه به سؤال فوق، تحقیق حاضر به بررسی فرضیه های زیر می پردازد:

### فرضیات پژوهشی

۱. بین میزان انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.
۳. بین وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.
۴. بین جمعیت خانواده با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.

### پیشینه تحقیق

نامداری (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان " بررسی میزان شیوع سوءرفتار در دانش-آموزان دوره راهنمایی شهر خرم‌آباد و تعیین عوامل مؤثر بر آن " نشان داد که بین میزان انزوای اجتماعی و معاشرت خانواده با سوءرفتار جسمی و عاطفی ارتباط معنادار آماری وجود دارد. بدین ترتیب که در ۷۹ نفر از ۱۴۰ کودک آزار دیده جسمی (۵۶/۴ درصد) و ۹۳ نفر از ۲۲۰ کودک آزار دیده عاطفی (۴۲/۵ درصد)، معاشرت افراد خانواده کم و محدود گزارش شد. درحالی که در ۸۵ درصد کودکانی که آزار جسمی را گزارش نکرده بودند و همچنین ۹۵ درصد اطفالی که آزار عاطفی را تجربه نکرده بودند. معاشرت خانوادگی به میزان کافی گزارش شده بود.

محمدخانی (۱۳۷۸)، در پژوهشی با عنوان " بررسی خود در زمینه‌ی وضعیت کودک آزاری در دانش‌آموزان پسر پایه دوم مقطع راهنمایی شهر تهران " ۱۴۴۳ نفر را مورد مطالعه قرار داد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که میزان شیوع کودک آزاری بین دانش-آموزان مورد مطالعه ۳/۹ درصد می‌باشد. در این مطالعه، بین سلامت عمومی والدین و سطح کیفیت زندگی آنها با نمره آزار رابطه‌ی معناداری به دست آمد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که بالابودن بعد خانوار، تحصیلات پایین، افسردگی والدین، انزوای اجتماعی، فقدان حمایت اجتماعی والدین، شغل پدر، و خانه‌دار بودن مادر از دیگر عوامل مستعدکننده آزار کودکان است

تقی‌خانی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان " بررسی ویژگی‌های خانوادگی، اقتصادی - اجتماعی و روان‌شناختی ۱۵ والد آزارگر و ۱۵ کودک آزار دیده‌ی زیر ۱۸ سال " دریافت اکثر این خانواده‌ها در جنوب شهر سکونت داشته، والدین دارای تحصیلات پایین و مشکلات عدیده‌ی اقتصادی بوده و بیشتر در مشاغل کارگری و خدماتی مشغول بودند. اکثر این والدین دارای سابقه‌ی بیماری روانی بودند و دچار فقدان حمایت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی گشته و گوشه‌گیر و منزوی بودند. این والدین خود در دوران کودکی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و شاهد مشاجرات والدین‌شان بوده‌اند. این والدین در مواجهه با مشکلات دچار سردرد و میگرن شده و نشانگان جسمانی، اضطراب، کنش‌وری اجتماعی و افسردگی را آشکار می‌ساختند.

رقیه بهاری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان " بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی کودکان دختر و پسر در مراکز مداخله در بحران شهر تهران " که بر روی ۶۴ نفر از کودکان دختر و پسر با روش پیمایشی انجام گرفت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بین شبکه‌ی روابط اجتماعی و بروز کودک آزاری رابطه وجودی دارد و میزان این همبستگی ۰/۲۶۹ برآورد شد که در سطح ۰/۹۵ معنادار است. در مورد وضعیت سرپرستی نیز بین وضعیت سرپرستی و بروز کودک آزاری رابطه وجود دارد و میزان همبستگی آن ۰/۷۳ است که در سطح ۰/۹۹ معنادار است. رابطه‌ی قومیت مادر و کودک - آزاری رد شد، درحالی‌که رابطه‌ی میان قومیت پدر و کودک آزاری تأیید و میزان همبستگی آن ۰/۷۱ برآورد شد که در سطح ۰/۹۵ معنادار است.

صحبائی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان " رابطه عوامل خانوادگی، روانی و اجتماعی بر کودک آزاری در دبستان های دولتی دخترانه تهران " نشان داد که از نظر حمایت اجتماعی مادی و معنوی اعضای فامیل نسبت به افراد مورد مطالعه، بین خانواده دو گروه آزار دیده و آزار ندیده، تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که ۵۶/۷ درصد از اعضای فامیل، کودکان آزار دیده و ۴۸/۳ درصد از همسایگان آنان به هنگام بروز مشکل گاهی اوقات، خانواده این کودکان را مورد حمایت مادی یا معنوی قرار داده‌اند. این در حالی است که در بین کودکان آزار ندیده ۵۰ درصد اعضای فامیل و ۶۰ درصد همسایگان همیشه به هنگام بروز مشکل، خانواده‌های آنان را مورد حمایت مادی و معنوی قرار می‌داده‌اند.

خوشابی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان شیوع کودک آزاری بر ۱۵۳۰ دانش‌آموز دوره راهنمایی شهر تهران" که با روش توصیفی انجام داده که نتایج آن نشان داد که شیوع آزار جسمانی خفیف ۳۸/۳ درصد، آزار جسمانی شدید ۳۵/۹ درصد، بی‌توجهی ۲۰/۵ درصد و آزار عاطفی ۶۲/۵ درصد است. همچنین رابطه‌ی معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان، منطقه‌ی محل زندگی، تحصیلات والدین، شغل والدین و طلاق والدین، عدم حمایت اجتماعی و انزوای اجتماعی والدین با شیوع کودک آزاری وجود دارد. می‌توان گفت که شیوه کودک آزاری در حد بالایی است و این مسأله نیازمند توجه هرچه بیشتر مسؤولان جهت پیشگیری از تبعات منفی کودک آزاری است. میلر<sup>۱</sup> (۱۹۸۱) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "هرچند بدرفتاری با کودکان ممکن است در هر نوع خانواده در همه‌ی سطوح جامعه با وضعیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی رخ دهد ولی وقوع آن براساس گزارش‌ها، در طبقات پایین اقتصادی - اجتماعی بیشتر است (مدنی، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

موس<sup>۲</sup> (۱۹۸۶) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "که مرتکبان کودک‌آزاری، تضاد خانوادگی بیشتر، انسجام و روابط عاطفی کمتری را در خانواده خود گزارش دادند. در مقابل، خانواده‌های فاقد خشونت با ویژگی‌هایی چون شرکت در فعالیت‌های مفرح و لذت‌بخش، خانوادگی، روابط عاطفی و پافشاری بر حقوق شخصی مشخص می‌شوند (رایس و ریس، ۱۹۸۶: ۷۱-۸۳).

کولپ و همکارانش<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) در تحقیقات خود نشان می‌دهند "تفاوت‌های معناداری بین دوگروه مادران آزاردهنده و غیر آزار دهنده که به لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی همسان شده بودند، در نمرات مربوط به اعتماد به نفس و خود ارزشمند پنداری آنها دست یافتند (نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

مک لویده<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) در تحقیق خود نشان داد "که مشکلات اقتصادی عموماً موجب تحریک‌پذیری والدین و رفتارهای خشن، آشفته و غیرحمایت‌کننده آنان در تربیت فرزندان می‌شود.

<sup>۱</sup>- Miller

<sup>۲</sup>- Mouse

<sup>۳</sup>- Resick & Reese

<sup>۴</sup>-Kulp & et al

<sup>۵</sup>- McLoyd



میلنز<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) در تحقیقات خود "سه عامل را در تحقیق خود در ارتباط با فاکتورهای ارتباطی خانواده و تاثیر آنها بر کودک آزاری مطرح می‌کند: انزوای اجتماعی، تعاملات کودک و والدین و شیوه‌های فرزند پروری والدین. خانواده‌های کودکان آزار دیده معاشرت اجتماعی محدودی دارند و به این دلیل شبکه حمایتی خوبی ندارند و با فعالیتهای اجتماعی خارج از خانه زیاد درگیر نمی‌شوند. همچنین آنها در اقدامات تربیتی خود به منظور تربیت و نظم بخشی به کودک بیشتر از روشهای تنبیهی استفاده می‌کنند. بلسکی<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "انزوا و محدودیت‌های اجتماعی والدین منجر به آزادی و بی‌توجهی نسبت به کودکان می‌شود؛ بدرفتاری والدین فقط به سبب انزوا و فقدان دسترسی به حمایت‌های اجتماعی غیررسمی نظیر دوستان و همسایگان نیست بلکه سازمان‌ها و نهادهای رسمی حمایت اجتماعی نیز در این زمینه اثرگذارند (بلسکی، ۱۹۹۳: ۳۵). همچنین بررسی‌ها مؤید این مطلب است که والدین آزاررسان ارتباطات اجتماعی کمتری دارند، سطح مشارکت و عضویت آنها در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به نسب کمتر است و درفعالیت‌های اجتماعی کمتر دخالت کرده، از منابع در دسترس جامعه استفاده نمی‌نمایند و ارتباط اجتماعی آنها ضعیف است (کروز و همکاران، ۱۹۹۰: ۶۸)<sup>۳</sup>.

پاویلانن و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) در تحقیقات خود نشان دادند که "بین آزار و زندگی خانوادگی شامل ترس، فقر روابط پرخاشگری میان اعضای فقدان مراقبت، کمی فعالیت‌های خانوادگی و بحث و گفتگو و فقدان محبت رابطه معناداری به دست آمد" (پاویلانن، ۲۰۰۰: ۲۴۱-۲۳۵).

ویلیام جی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "که تحصیلات پایین، فقر، بیکاری، اعتماد به نفس پایین، رفتارهای ضداجتماعی، فقدان حمایت‌های اجتماعی و انزوای اجتماعی والدین و همچنین همسرآزاری و سوءمصرف مواد توسط والدین از عوامل مؤثر بر کودک آزاری .

---

<sup>1</sup> - Millnz

<sup>2</sup> - Belsky

<sup>3</sup> - Crose & et al

<sup>4</sup> - Paavilainen

<sup>5</sup> - William J. & et al

## مبانی نظری تحقیق

عمده ترین نظریه هایی که در جامعه شناسی به بررسی خشونت خانگی علیه فرزندان پرداخته است، شامل، نظریه بی سازمانی اجتماعی<sup>۱</sup>، دیدگاه قشر بندی اجتماعی<sup>۲</sup>، نظریه ناکامی - پر خاشگری<sup>۳</sup>، نظریه زیست محیطی<sup>۴</sup>، نظریه منابع<sup>۵</sup>، مدل محرومیت نسبی<sup>۶</sup>، نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۷</sup>، دیدگاه منزلت های اجتماعی و اقتصادی<sup>۸</sup>، نظریه های خرده فرهنگ خشونت<sup>۹</sup> و البته چند نظریه دیگر می باشد.

از آنجایی که خشونت خانگی نسبت به فرزندان یک معلول چند علیتی است و هر نظریه از جنبه ای خاص آن را تبیین می کند، در پژوهش حاضر، تلفیقی از تئوریهای زیر به عنوان مبانی نظری استفاده گردیده است.

### نظریه تجربه ی خشونت خانوادگی<sup>۱۰</sup> (انتقال بین نسلی): منطق نظری انتقال

بین نسلی، خشونت زوجین را بر نظریه ی یادگیری اجتماعی (یادگیری از طریق مشاهده و تقلید اعمال دیگر) متمرکز می سازد. بر اساس منطق این نظریه، افرادی که متوسل به خشونت علیه زنان شان می شوند در فرآیند اجتماعی شدن، در خانواده هایی بزرگ شده اند که شاهد به کارگیری خشونت از سوی والدین خود بوده اند. بعضی از مطالعات نشان دادند، کسانی که شاهد کتک کاری پدر علیه مادر خود در دوران کودکی بودند، متعاقباً در بزرگسالی، چنین الگوهایی را علیه همسرانشان به کار گرفتند (گلز، پاچلو، ۱۹۸۱؛ روزنباوم<sup>۱۱</sup> و آلری<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۱؛ کیسر<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۸؛ اشتراوس و همکاران، ۱۹۸۰).

### نظریه زیست محیطی<sup>۱۴</sup>: در نظریه ی «زیست محیطی بلکسی» (۱۹۸۰) نظام

خارجی خانواده یا ساختارهای رسمی و غیررسمی اجتماعی برای تبیین خشونت خانگی

<sup>1</sup> Corporate Social Theory-

<sup>2</sup> -Social stratification perspective

<sup>3</sup> - Frustration aggression theory

<sup>4</sup> - Ecological theory

<sup>5</sup> - Theory Resources

<sup>6</sup> - Model of relative deprivation

<sup>7</sup> - Social Learning Theory

<sup>8</sup> - Social status and economic perspectives

<sup>9</sup> - Theories of petty-culture of violence

<sup>10</sup> - Theory experiencing domestic violence

<sup>11</sup> -Rousenbaum

<sup>12</sup> -O'Leary

<sup>13</sup> -Caesar

<sup>14</sup> - Ecological theory

مهم دانسته شده است. منظور از نظام‌های خارجی، موقعیت‌های شغلی، گروه دوستان، سازمان‌های حمایتی و غیره است. براساس این نظریه، انزوای اجتماعی خانواده و حمایت‌های اجتماعی ادراک شده‌ی آنها از محیط خارجی از عوامل مؤثر در بروز خشونت علیه کودکان می‌باشد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۵).

**نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۱</sup>:** طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا<sup>۲</sup> (۱۹۷۷) رفتار از دو طریق آموخته می‌شود: یا از طریق پاداش دادن به اعمال (یادگیری ابزاری) یا از طریق مشاهده‌ی آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران (مدل‌سازی). بنابراین کودکانی که از هر طریق می‌آموزند که خشن باشند، شاید الگوی آموخته شده را در دوران بزرگسالی نیز ادامه دهند. همچنین بندورا به دخالت شرایط زمینه‌ساز مانند تراکم جمعیت، آلودگی و غیره در پیدایش پرخاشگری اشاره دارد که از آن می‌توان در راستای تبیین نقش بعد خانوار در آزار کودکان بهره جست (همتی، ۱۳۸۲: ۷۵).

**نظریه منابع<sup>۳</sup>:** براساس نظریه منابع ویلیام گود<sup>۴</sup> (۱۹۸۵)، تمامی نظام‌های اجتماعی (از جمله خانواده) دارای نظام اقتداری است و هرکس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند سایر اعضای را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد. مکانیزم اعمال قدرت با توجه به سطح دسترسی افراد مقتدر به سایر منابع اعمال قدرت متفاوت و افراد بسیار قدرتمند خانواده، کمتر از دیگران به اعمال قدرت از طریق خشونت بدنی متوسل می‌شوند اما درمیان افرادی که دارای ضعف اقتصادی و اجتماعی هستند تنها منبع قدرت، زور بدنی و استفاده از آن است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱).

**نظریه‌های خرده فرهنگ خشونت<sup>۵</sup>:** بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاصی است و شامل ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اعتقاداتی می‌باشد که ممکن است خشونت شوهران بر ضد زنان و کودکان خانواده را تأیید و تقویت کند یا مانع آن شود. در نتیجه، تعهد به این عناصر فرهنگی است که خشونت شوهران را در هر خانواده افزایش یا کاهش می‌دهد. بنابراین، بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، می‌توان برای تبیین خشونت خانگی در

<sup>۱</sup> -Social Learning Theory

<sup>۲</sup> -Bendura

<sup>۳</sup> -Theory Resources

<sup>۴</sup> -Good

<sup>۵</sup> -Theories of petty-culture of violence

خانواده متغیرهایی مانند تعهد به اعتقادات دینی، شیوه‌ی همسرگزینی، تعارض و مشاجره زناشویی و مداخله‌ی خویشاوندان را بررسی کرد (زنگنه، ۱۳۸۰: ۴۲).

### دیدگاه منزلت‌های اجتماعی و اقتصادی<sup>۱</sup>: دیدگاه منزلت‌های اجتماعی و

اقتصادی معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه و پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد ارتباط دارد. میزان جرم با برخی شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی از جمله؛ میزان درآمد، نوع شغل، غیراستاندارد بودن وضعیت محیطی مسکن، اجاره‌نشینی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، تراکم بالای جمعیت، وجود اقلیت‌های قومی و بالابودن نرخ متولدین خارجی ارتباط دارد. همچنین دیدگاه طبقه‌بندی واحدهای مسکونی معتقد است، میزان ارتکاب جرم توسط افراد اجاره‌نشین شهر بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است. به عبارتی، تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بین افراد جامعه و از جمله نوع تصرف مسکن آن‌ها در ارتکاب عمل مجرمانه و خشونت آن‌ها مؤثر است (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

نسخه دیگری از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی<sup>۲</sup> خوانده می‌شود که بیشتر بر ابعاد جرم شناختی نابرابری اقتصادی- اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق (بنگر<sup>۳</sup>، ۱۹۱۶: مرتن<sup>۴</sup>، ۱۹۳۸: بریت وایت<sup>۵</sup>، ۱۹۷۹). ایده اساسی مورد تأکید در این دیدگاه، آن است که افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می‌کنند و زمانی که افراد احساس کنند که دیگران منابع بیشتری را در مقایسه با آنها در اختیار دارند، احساس محرومیت و تنفر، خشونت و عصبانیت در آنها پیدا می‌شود. این احساس محرومیت، به ویژه زمانی تشدید می‌گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی- اجتماعی‌شان، احساس کنند. نتایج چندین تحقیق، ارتباط مورد انتظار میان محرومیت نسبی و جرم را تأیید کرده‌اند (پترسون و بیلی، ۱۹۸۸: هریر و استفن، ۱۹۹۲: مروا، ۱۹۶۶).

### نظریه ناکامی- پرخاشگری<sup>۶</sup>: بر اساس نظریه ناکامی- پرخاشگری دلارد

(۱۹۴۱)، ناکامی و سرخورده‌گی ناشی از متوقف ساختن رفتار هدف‌جویانه، عامل پرخاشگری است. این خشونت ممکن است به منبع ناکامی یا به اهدافی که رابطه‌ای با

<sup>۱</sup> -Social status and economic perspectives

<sup>۲</sup> -Model of relative deprivation

<sup>۳</sup> -Bunger

<sup>۴</sup> -Merton

<sup>۵</sup> -Braithwaite

<sup>۶</sup> -Frustration and aggression theory

منبع اولیه ناکامی دارند معطوف گردد. این نظریه تأثیر ناکامی را بر میزان بروز پرخاشگری نسبت به کودکان به عنوان اهدافی که با منبع اولیه ناکامی رابطه دارند، نشان می‌دهد (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۶: ۲۷۶).

### روش پژوهش

این مطالعه از نوع پیمایشی و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش آموزان دختر ۱۸-۱۴ سال، مقطع دبیرستان و والدین آنها در شهر اهواز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود. حجم نمونه ۳۸۴ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد. در این تحقیق از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است.

در این پژوهش پس از انتخاب مناطق ۸ گانه آموزش و پرورش شهر اهواز، از هر منطقه ۲ دبیرستان دخترانه و از هر دبیرستان ۶ کلاس و در هر پایه ۲ کلاس از دانش آموزان به صورت تصادفی انتخاب شده، و پرسشنامه کودک آزاری و ضربه بین آنها توزیع و جمع‌آوری گردید.

و در مرحله بعد واحدهای مسکونی والدین دانش آموزان که لیست هر منطقه و بلوک‌های آنها از قبل بصورت تصادفی انتخاب شده مشخص گردیده و پرسشنامه مورد نظر با توضیحات کامل پرسشگر، بین آنها توزیع و جمع‌آوری گردیده است.

برای اطمینان بیشتر از روایی و پایایی گویه‌های سنجش از دو روش استفاده شد. روش اول محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های تشکیل دهنده شیوه‌های فرزند پروری بوده است. نتایج این محاسبه نشان داد که ضریب آلفای شدت و محتوای آن در کل بالابوده که نشانگر پایایی ابزار سنجش است.

روش دوم برای پی‌بردن به روایی و اعتبار گویه‌ها محاسبه ضریب همبستگی گویه‌های تشکیل دهنده شدت و محتوا با این متغیرها بوده است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که بین هر کدام از گویه‌ها با شدت و محتوا همبستگی خیلی زیاد در سطح معناداری بالای ۹۵٪ وجود دارد.

بعد از تکمیل پرسشنامه توسط پاسخگویان، داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد پردازش قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف استاندارد، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

به منظور اندازه‌گیری روایی سؤالات پرسشنامه ابتدا تعداد ۵۰ پرسشنامه توسط نمونه مورد نظر تکمیل و از طریق آلفای کرونباخ، ضریب روایی سؤالات محاسبه شد تا قابلیت همخوانی گویه‌ها مشخص شود.

### ابزار سنجش

۱. پرسشنامه کودک آزاری و ضربه<sup>۱</sup> (CTQ): در تحقیق حاضر برای سنجش خشونت خانگی نسبت به دختران از پرسشنامه ضربه کودکی<sup>۲</sup> (CTQ) (برنستاین، ۱۹۹۵) استفاده شده است. CTQ یک ابزار خود گزارشی است و برای سنجش آزار دیدگی دوران کودکی به کار برده می‌شود. CTQ آزار دیدگی را در پنج خرده مقیاس اندازه‌گیری می‌نماید و یک نمره کلی نیز به دست می‌دهد که نشانگر بدرفتاری کلی<sup>۳</sup> است. پنج خرده مقیاس CTQ شامل خرده مقیاس آزار عاطفی (EA)<sup>۴</sup>، خرده مقیاس آزار جسمی (PA)<sup>۵</sup>، خرده مقیاس آزار جنسی (SA)<sup>۶</sup>، خرده مقیاس غفلت عاطفی (EN)<sup>۷</sup> و خرده مقیاس غفلت (PN)<sup>۸</sup> می‌باشد. در این پژوهش پرسشنامه کودک آزاری با اقتباس از پرسشنامه تحقیق شهنی بیلاق و میکاییلی (۱۳۸۶) انجام شده است که لازم بذکر است که در این پژوهش خرده مقیاس آزار جنسی حذف گردیده چنانچه در پژوهش شهنی بیلاق و میکاییلی (۱۳۸۵)، نیز به دلیل مسائل فرهنگی و قومی) ماده‌های متعلق به خرده مقیاس خشونت جنسی از پرسشنامه حذف شدند. و در مجموع ۴۰ گویه برای سنجش میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان بکار برده شده است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ به ترتیب، کل کودک آزاری ۰/۹۱، خشونت عاطفی ۰/۸۷، خشونت جسمی ۰/۸۵، غفلت عاطفی ۰/۷۰ و غفلت جسمی ۰/۷۵ به دست آمد.

<sup>۱</sup> -Childhood Trauma Questionnaire (CTQ)

<sup>۲</sup> - Multi-stage cluster sampling

<sup>۳</sup> -Global Maltreatment Scale

<sup>۴</sup> -Emotional Abuse (EA)

<sup>۵</sup> -Physical Abuse (Pa)

<sup>۶</sup> -Sexual Abuse (SA)

<sup>۷</sup> -Emotional Neglect (EN)

<sup>۸</sup> -Physical Neglect (PN)

۲. پرسشنامه انزوای اجتماعی راسل (UCLA): برای سنجیدن انزوای اجتماعی با اقتباس از مقیاس انزوای اجتماعی (UCLA) راسل و همکاران (۱۷۶) در سه بعد روابط خویشان، روابط دوستان و روابط همسایگان در قالب طیف لیکرت ۱۸ گویه که هر یک از ابعاد سه گانه داری ۶ گویه می باشند مورد سنجش قرار می‌گیرد. و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده‌اند. ۹۴٪ برای ابعاد ۳ گانه است. این تست، همبستگی بسیار بالایی نسبت به سایر تست‌های تنهایی حمایت اجتماعی، شخصیت و غیره دارد.

همچنین در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای سه بعد انزوای اجتماعی به ترتیب: کل انزوای اجتماعی ۹۴/۰، روابط با خویشاوندان ۸۸/۰، روابط با همسایگان ۷۶٪، و روابط با دوستان ۷۳٪ به دست آمد.

۱- روابط با خویشان به این شاخص میزان روابط فکری و عاطفی فرد را با اقوام و فامیل می‌سنجد.

۲- روابط محلی همسایگان این شاخص مرکب از روابط همسایگی و روابط معاملاتی محلی است.

۳- روابط دوستان این شاخص مرکب از روابط دوستان و آشنایان را با اعضای خانواده می‌سنجد.

۴- پرسشنامه چند بعدی ادراک حمایت اجتماعی (زیمت و همکاران<sup>۱</sup>) (mspss): حمایت اجتماعی دارای حداقل سه بعد ابزاری، اطلاعاتی و عاطفی است که در این تحقیق صرفاً حمایت اجتماعی عاطفی که میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه خویشان، دوستان و سایر افراد مهم تعریف شده است مورد سنجش قرار می‌گیرد. برای سنجش حمایت اجتماعی عاطفی در این پژوهش با اقتباس از مقیاس چند بعدی حمایت عاطفی ادراک شده زیمت و همکاران (۱۹۹۸) که اولین بار توسط جوشن لو و همکاران (۱۳۸۵) هنجاریابی و ترجمه و مورد استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده آن ۹۲٪ می‌باشد.

و به منظور سنجش این حمایت از طرف خویشاوندان، دوستان، و دیگران مهم می‌باشد. این مقیاس در قالب طیف لیکرت طراحی شده و متشکل از ۱۲ گویه در سه بعد

<sup>1</sup> -Zimet & et al

خویشان، دوستان و دیگران مهم است که هر یک از ابعاد سه گانه دارای ۴ گویه مستقل می باشد.

همچنین در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای سه بعد ادراک حمایت اجتماعی به ترتیب: کل حمایت اجتماعی عاطفی ۰/۸۱ / حمایت خویشاوندان ۰/۸۴، حمایت دوستان ۰/۶۵ / حمایت دیگران مهم ۰/۷۵ بدست آمد.

**پایگاه اجتماعی و اقتصادی:** منظور از پایگاه اجتماعی- اقتصادی موقعیت و اعتبار فرد در جامعه و در سلسله مراتب اجتماعی باتوجه به موقعیت مالی و موقعیت اجتماعی که کسب می کند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۸۱).

در این پژوهش برای سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی از مقیاس شاخص اجتماعی - اقتصادی دانکن<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) که پرکاربردترین مقیاس در حوزه پژوهش اجتماعی است استفاده شده است. و سه فاکتور شغل، درآمد و تحصیلات به عنوان مبنا تعیین پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده آزمودنی ها است. آلفای کرونباخ به دست آمده کل پایگاه اجتماعی-اقتصادی ۰/۸۱ می باشد.

**پرسشنامه جمعیت شناختی:** این پرسشنامه برای گردآوری برخی داده های جمعیت شناختی و متغیرهای مستقل پژوهش مانند: سن، جنس، تحصیلات و جمعیت خانوار بکار می رود.

### تعیین اعتبار (validity) ابزار پژوهش و قابلیت اعتماد (reliability)

برای تعیین اعتبار محتوایی (صوری) پرسشنامه ها از نظر داوران و تایید استادان مجرب بهره گرفته شد. هم چنین متغیرهای پیش بین وملاک مطابق جدول شماره (۱) از پایایی مناسبی برخوردار بودند.

<sup>1</sup> - Dunkn



جدول ۱. نتایج تحلیل پایایی گویه های مربوط به متغیرها

متغیر ها	تعداد گویه	ضریب آلفا
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۳	.۸۱
حمایت اجتماعی عاطفی ادراکی	۱۲	.۸۱
انزوای اجتماعی	۱۸	.۸۸
خشونت والدین علیه فرزندان	۴۰	.۹۱
جمعیت خانوار	۲	۰/۸۱

### یافته های پژوهش

یافته های توصیفی این پژوهش نشان می دهد که میانگین و انحراف استاندارد سن دانش آموز به ترتیب ۱۶/۰۱ و ۰/۹۸، سن پدر به ترتیب ۴۶/۶۳ و ۷/۴۴، سن مادر به ترتیب ۴۰/۲۱ و ۵/۹۸ و جمعیت خانواده به ترتیب ۵/۵۶ و ۱/۶۷ می باشند. همچنین ۳۵/۷ درصد از دانش آموزان دختر در پایه اول، ۳۷/۲ درصد از دانش آموزان دختر در پایه دوم و ۲۷/۱ درصد از دانش آموزان دختر در پایه سوم می باشند

همچنین یافته های این پژوهش نشان می دهد که در نمونه والدین ۳۸/۵ درصد از شرکت کنندگان مرد و ۶۱/۵ درصد زن می باشند. همچنین یافته های این پژوهش نشان می دهد ۲۵/۳ درصد از پاسخگویان فارس، ۳۷/۲ درصد عرب، ۳۱/۸ درصد لر، ۱/۲ درصد کرد و ۳/۷ درصد ترک می باشند.

میزان تحصیلات پدران و مادران دانش آموزان از بی سواد تا تحصیلات دانشگاهی متغیر می باشند. و به ترتیب ۸/۳ درصد از پدران بی سواد، ۲۲/۴ درصد ابتدایی، ۲۴ درصد راهنمایی و ۳۱/۵ درصد دیپلم، ۴/۹ فوق دیپلم و ۸/۹ درصد لیسانس و بالاتر بوده اند.

### توصیف متغیر خشونت خانگی والدین نسبت به دختران و ابعاد مختلف آن

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره آزمودنی ها در متغیرهای

#### خشونت خانگی والدین نسبت به دختران و ابعاد مختلف آن

متغیر	تعداد گویه	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
خشونت والدین	۴۰	۶۴/۸۰	۱۷/۵۶	۴۴	۱۴۱
خشونت عاطفی	۱۲	۲۰/۱۵	۸/۰۳	۱۲	۵۳
خشونت جسمی	۸	۸/۰۱	۳/۷۸	۶	۲۵
غفلت عاطفی	۱۳	۲۸/۱۹	۶/۵۴	۱۷	۵۶
غفلت جسمی	۷	۸/۴۴	۲/۷۴	۷	۲۷

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد متغیر خشونت خانگی والدین نسبت به دختران به ترتیب " ۶۴/۸۰ و ۱۷/۵۶، متغیر خشونت عاطفی به ترتیب ۲۰/۱۵ و ۸/۰۳، متغیر خشونت جسمی به ترتیب ۸/۰۱ و ۳/۷۸، متغیر غفلت عاطفی به ترتیب ۲۸/۱۹ و ۶/۵۴ و متغیر غفلت جسمی به ترتیب ۸/۴۴ و ۲/۷۴ می‌باشند. همچنین بیشترین تا کمترین متغیر خشونت والدین نسبت به دختران به ترتیب شامل غفلت عاطفی، خشونت عاطفی، غفلت جسمی و متغیر خشونت جسمی می‌باشند.

### آزمون فرضیات

فرضیه اصلی: بین انزوای اجتماعی با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

فرضیه ۱-۱: بین بعد روابط و معاشرت با خویشاوندان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

فرضیه ۱-۲: بین بعد روابط و معاشرت با همسایگان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

فرضیه ۱-۳: بین بعد روابط و معاشرت با دوستان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین انزوای اجتماعی و ابعاد آن با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران:

متغیر وابسته (خشونت خانگی نسبت به دختران)	تعداد (n)	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (p)
متغیر مستقل انزوای اجتماعی	۳۸۴	۰/۲۴	۰/۰۰۱
- روابط و معاشرت با خویشاوندان	۳۸۴	۰/۲۹	۰/۰۰۱
- روابط و معاشرت با همسایگان	۳۸۴	۰/۲۴	۰/۰۰۲
- روابط و معاشرت با دوستان	۳۸۴	۰/۲۶	۰/۰۰۱

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می شود، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین کل انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $I=0/24$  و  $p=0/001$ ).

یعنی هرچه انزوای اجتماعی والدین بالاتر باشد، میزان گرایش آنها به خشونت خانگی نسبت به دختران افزایش می یابد.

همچنین بین بعد روابط و معاشرت با خویشاوندان با خشونت خانگی والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $I=0/29$  و  $p=0/001$ ). ولی بین بعد روابط و معاشرت با همسایگان با خشونت والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $I=0/24$  و  $p=0/002$ ). همچنین، بین بعد روابط و معاشرت با دوستان با خشونت والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $I=0/39$  و  $p=0/001$ ). بنابراین فرضیه های فوق تأیید می شوند.

فرضیه اصلی: بین حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده با میزان خشونت والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۱-۲: بین بعد حمایت اجتماعی از سوی خویشاوندان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۲-۲: بین بعد حمایت اجتماعی از سوی دوستان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۲-۳: بین بعد حمایت اجتماعی از سوی دیگران مهم با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین حمایت اجتماعی عاطفی والدین و ابعاد آن با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران

متغیر مستقل	تعداد (n)	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)
حمایت اجتماعی	۳۸۴	-۰/۴۱۴	۰/۰۰۱
حمایت خویشاوندان	۳۸۴	-۰/۳۷	۰/۰۰۱
حمایت دوستان	۳۸۴	-۰/۱۶۵	۰/۰۰۲
حمایت دیگران مهم	۳۸۴	-۰/۳۹	۰/۰۰۱

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می شود، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین کل حمایت اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معناداری وجود دارد ( $I=-0/414$  و  $P=0/001$ ).

یعنی هرچه حمایت اجتماعی عاطفی والدین بیشتر باشد میزان گرایش آنها به خشونت خانگی نسبت به دختران کمتر می شود.

همچنین بین بعد حمایت خویشاوندان با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معنی داری وجود دارد ( $I=-0/37$  و  $P=0/001$ ). ولی بین بعد حمایت دوستان با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معنی داری وجود دارد ( $I=-0/165$  و  $P=0/002$ ). همچنین، بین بعد حمایت دیگران مهم با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معناداری وجود دارد ( $I=-0/39$  و  $P=0/001$ ). بنابراین فرضیه های فوق تأیید می شوند.

فرضیه ۳: بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میزان خشونت در گروه های مختلف پایگاه اجتماعی- اقتصادی:

ابعاد پایگاه اجتماعی-اقتصادی	درآمد	تحصیلات	شغل
مقدار f	۷/۰۱	۳/۵۳	۱۱/۸۴
سطح معنی داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

یعنی هرچه پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین بالاتر باشد، میزان گرایش آنها به خشونت خانگی نسبت به دختران کمتر می شود. نتایج نشان می دهد که بین گروه های مختلف درآمد تفاوت وجود دارد و هر چه میزان درآمد پایین تر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به فرزندان بیشتر است ( $F=7/01$  و  $P=0/001$ ).

نتایج نشان می دهد که بین گروه های مختلف تحصیلات تفاوت وجود دارد و هر چه میزان تحصیلات پایین تر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به دختران بیشتر است ( $F=3/53$  و  $P=0/001$ ).

نتایج نشان می دهد که بین گروه های مختلف شغلی تفاوت وجود دارد و هر چه مرتبه شغلی پایین تر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به دختران بیشتر است ( $P=0/001$  و  $F=11/84$ ).

فرضیه ۴. بین جمعیت خانوار و میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میزان خشونت خانگی در خانواده های با تعداد فرزند متفاوت

متغیر	گروه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری (p)
نسبت به دختران خشونت خانگی	بین گروه ها	۴۳۲۸/۶۲	۶	۷۲۱/۴۳	۲/۳۹	۰/۰۰۱
	درون گروه ها	۱۱۳۸۱۱/۱۱	۳۷۷	۳۰۱/۸۸		
	مجموع	۱۱۸۱۳۹/۷۴	۳۸۳			

نتایج نشان می دهد که بین خانواده های با جمعیت متفاوت، تفاوت وجود دارد و هر چه تعداد اعضای خانواده بیشتر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به دختران بیشتر است ( $P=0/001$  و  $F=2/39$ ).

همزمان روش به رگرسیون آماری رگرسیون و مشخصه های مدل جدول ۷. خلاصه ی

متغیر های مستقل	B	Beta	t	P
انزوای اجتماعی - X۳	۰/۳۵۷	۰/۱۷	۳/۰۱	<۰/۰۵

مطابق اطلاعات مندرج در جدول (۷) ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیر انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران در سطح  $p=0/005$  معنادار است. و واریانس مربوط به خشونت والدین نسبت به دختران به وسیله ی متغیر پیش بین تبیین می شود. ضرایب تأثیر متغیر نیز به صورت مستقل در زیر قابل مشاهده است. توجه به مقدار ثابت و ضرایب غیر استاندارد (B) متغیر می توان

$$Y=48/35 = (x3) 0/17$$

نتایج بدست آمده از رگرسیون چند گانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیشترین تأثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش بینی بالایی متغیر وابسته داشته است.

### بحث و نتیجه گیری:

پدیده خشونت خانگی علیه فرزندان پیوندی تنگاتنگ با ساختارهای فرهنگی-اجتماعی جوامع دارد؛ به عبارت دیگر، در جوامع سنتی، فراوانی و شدت خشونت علیه فرزندان بسیار بیش تر از جوامع توسعه یافته و مدرن است و دلیل این تفاوت را می توان در نفوذ و چیرگی ساختارهای شکل گرفته مختلف در جامعه و پذیرش این گفتمان در عرصه های خصوصی و عمومی جستجو کرد. در جوامع سنتی، ارزش های مرد سالار، ارزش های مشروع و غیر قابل انکار است و هر گونه مقاومت در برابر آن به معنای سرپیچی از هنجارها و عرف اجتماعی قلمداد شده، واکنش شدید اجتماعی و عرفی را بر می انگیزاند. در چنین ساختاری، اعمال خشونت خانگی علیه زنان و فرزندان اساساً شکل پنهانی و به عنوان بخشی از واقعیت زندگی اجتماعیشان مشروعیت می یابد؛ در حالی که در جوامع مدرن، به دلایلی نظیر گسترش نهاد های مدنی و فعالیت این نهادها، پیدایش جنبش های اجتماعی مدافع حقوق زنان و کودکان وجود گفتمان های برابری خواه، از فراوانی و شدت خشونت علیه کودکان کاسته شده (به طور کامل از بین نرفته است) و مقاومت و واکنشی بسیار گسترده در برابر این پدیده، که شکلی آشکار یافته، صورت گرفته است.

یافته های تحقیق حاضر نشانگر این واقعیت است که متغیرهای جامعه شناختی در تحلیل خشونت خانگی والدین علیه دختران از اهمیت بسزایی برخوردارند. از جمله مهمترین این متغیرها که در مبانی نظری تحقیق نیز بر آن تاکید زیادی شده است، شبکه روابط اجتماعی والدین است. چگونگی روابط آنها هم در داخل خانواده و هم در بیرون از خانواده نقش اصلی در میزان خشونت و درگیرهای آنها نسبت به فرزندانشان ایفا می کند. همسرانی که به لحاظ روابط زناشویی، روابط با خویشاوندان، روابط با همسایگان و دوستان و روابط با دیگران از رضایت بیشتری برخوردار هستند، کمتر دچار تعارض با یکدیگر و فرزندان در زندگی خود می شوند. و هر اندازه دایره روابط اجتماعی

آنها با خویشاوندان، دوستان و آشنایان گسترده می‌شود، تاثیر مثبتی بر روابط اعضای خانواده می‌گذارد.

در همین راستا رابطه متغیرهای مستقل با میزان خشونت خانگی نسبت به دختران بررسی شد که نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود:

\*فرضیه اول " نتایج تحقیق نشان داد بین انزوای اجتماعی والدین با خشونت خانگی آنها نسبت به دختران همبستگی معناداری وجود دارد. یعنی هرچه انزوای اجتماعی در بین والدین بیشتر باشد میزان خشونت اعمال شده بر دختران نیز بیشتر می‌شود.

انزوای اجتماعی خانواده‌ها و معاشرت محدود با همسایه‌ها یا دوستان و آشنایان مسأله‌ای است که در جوامع قرن بیستم و هم‌چنین جامعه ما به طور روز افزون افزایش می‌یابد. عدم دسترسی به سیستم‌های حمایتی و وجود استرس‌های تحمیل شده، والدین را در معرض فشار مضاعف قرار می‌دهد. در چنین شرایطی با فرزندان به عنوان وسیله‌ی در جهت انتقال محرومیت و اضطراب والدین با خشونت رفتار می‌شود.

نتایج یافته‌های این پژوهش هم‌سو با نظریه زیست محیطی است که نشان دادند، انزوای اجتماعی والدین از عوامل تأثیرگذار بر بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به دختران می‌باشد، و نیز با یافته‌های بلسکی (۱۹۹۳)، هاوز و کاج، دیویس (۱۹۸۵): بایرد (۱۹۹۸): ویلیام جی و همکاران (۲۰۰۶): میلنز (۱۹۹۱) منطبق است.

همچنین با نتایج تحقیق خاک رنگین (۱۳۸۸) هم‌سو است، مبنی براین که والدین آزار رسان در مقایسه با والدین غیر آزار رسان به مراتب روابط اجتماعی کمتری را تجربه می‌کردند.

\*فرضیه دوم " نتایج تحقیق نشان داد بین حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی معنی‌داری وجود دارد. یعنی فقدان حمایت اجتماعی والدین باعث افزایش خشونت علیه فرزندان می‌شود. از جمله مهمترین این متغیرها که در چارچوب نظری تحقیق نیز بر آن تأکید زیادی شده است، حمایت اجتماعی ادراک شده والدین است. چگونگی حمایت عاطفی آنها هم در داخل خانواده و هم در بیرون از خانواده نقش اصلی در میزان خشونت و درگیری‌های آنها نسبت به فرزندان ایفا می‌کند. همسرانی که به لحاظ روابط زناشویی، حمایت خویشاوندان، همسایگان و دوستان حمایت و دیگران از رضایت

بیشتری برخوردار هستند، کمتر دچار خشونت با یکدیگر و فرزندان در زندگی خود می شوند.

نتایج یافته های این پژوهش با نتایج تحقیقات گلس (۱۹۷۲): بلسکی (۱۹۹۳): موس (۱۹۸۶)، صبحائی (۱۳۸۵) : محمدخانی (۱۳۷۸) مبنی بر اینکه هر اندازه دایره حمایت اجتماعی عاطفی آنها با خویشاوندان، دوستان و آشنایان گسترده می شود، تاثیر مثبتی بر روابط اعضای خانواده می گذارد و از خشونت خانگی آنها نسبت به فرزندان می کاهد. \*فرضیه سوم "پایگاه اجتماعی-اقتصادی با میزان خشونت والدین بر دختران رابطه معناداری داشت. بطوری که هرچه پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد بالاتر رود میزان خشونت وارده بر فرزندان کاهش پیدا می کند. این یافته نشان می دهد که والدین تحصیل کرده تر برخورد تربیتی بهتری با فرزندان داشته اند. و والدینی که از وضعیت مالی و رفاهی بهتری برخوردارند کمتر فرزندان خود را ازار داده اند.

همچنین این مسأله را از این جهت می توان بررسی کرد که "افرادی که در طبقه پایین تر اجتماعی زندگی می کنند دارای احساس محرومیت نسبی بالاتری هستند (مرتون، ۱۹۶۸) چرا که افراد طبقه پایین در مقایسه خود با افراد مرفه و افراد طبقه بالا دچار احساس محرومیت نسبی می شوند و در تحقیق حاضر هم رابطه معنادار و منفی بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز از یکی از یافته های جانبی تحقیق بوده و بنا بر آنچه ما در فرضیات قبلی گزارش کردیم احساس محرومیت نسبی با میزان گرایش به خشونت خانگی نسبت به فرزندان رابطه مثبت و مستقیم دارد. لذا یک تبیین برای این فرضیه این است که افراد طبقه پایین دارای احساس محرومیت نسبی بالاتری هستند و در نتیجه میزان گرایش به این مسئله را از چندین جهت می توان مورد بررسی قرار داد.

نتایج یافته های این پژوهش هم سو با تحقیقات ویلیام جی (۲۰۰۶): گلس (۱۸۷۲): برگر (۲۰۰۵)، خوشابی و دیگران (۱۳۸۶): تقی خانی (۱۳۸۱): محمدخانی (۱۳۷۸)، است مبنی بر اینکه افرادی که در طبقات پایین جامعه زندگی می کنند دارای دارای احساس محرومیت نسبی بالاتری هستند، و در نتیجه به دلیل مشکلات عدیده مالی و روانی فشار و استرس بیشتری بر آنها وارد می گردد، که سبب بروز رفتارهای خشونت آمیزی نسبت به همسران و فرزندان می گردد.



\* همچنین نتایج نشان داد بین جمعیت خانوار با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران همبستگی معنی‌داری وجود دارد. یعنی هرچه جمعیت خانواده بیشتر باشد میزان خشونت اعمال شده بر فرزندان نیز بیشتر می‌شود.

خانواده‌های شلوغ و پرجمعیت یکی از کانون‌های وقوع کودک‌آزاری محسوب می‌شوند، جمعیت زیاد خانواده هم توجه و مراقبت کافی نسبت به کودکان را محدود خواهد کرد و هم استرس‌های جانبی که ایجاد می‌کند، خطر وقوع کودک‌آزاری را افزایش می‌دهد. نتایج تحقیقات عزیززاده (۱۳۸۵) نشان داد که بین کودک‌آزاری و تعداد اعضای خانوار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به طوری که ۳۳/۳ درصد گروه آزار دیده‌داری خانواده ۶ نفری بودند و اکثر ۸۳/۳ درصد آزار ندیده‌ها عضو خانواده ۴ نفری بودند.

این یافته همسو با نتایج تحقیقات (اعزازی (۱۳۸۰): محمدخانی (۱۳۷۸): خوشابی و همکاران (۱۳۸۶) گلس (۱۹۷۲): (کامینگز و دیویس، ۲۰۰۲) بود که براین باورند، که هرچه بعد خانوار بیشتر باشد، خانواده بیشتر درگیر مسائل و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت می‌شود و بیشتر دچار کشمکش و درگیری می‌گردد که این امر زمینه بروز اختلاف و خشونت را بارز می‌کند.

بنابراین طبق یافته‌های این پژوهش، آموزش مهارت‌های ارتباط والدین با دوستان، خویشاوندان و همسایگان و دیگران مهم به عنوان یکی از مداخلات روان‌آموزشی بر سایر مداخلات و خدمات مشاوره‌ای افزوده شود.

همچنین آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی در مورد پیامدها و آثار منفی فقدان حمایت اجتماعی از خانواده‌ها، بالاخص خانواده‌های آسیب‌پذیر، که می‌تواند منجر به بروز و ظهور پدیده کودک‌آزاری در سطوح خانواده و جامعه شود، بمنظور پیشگیری و کنترل این آسیب اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد.

در انتها مجدداً اشاره می‌گردد که یکی از مسایل اساسی کشورهای جهان، تأمین سلامتی یا بهداشت عمومی از جمله بهداشت روانی کودکان، از مهم‌ترین افتخارات هر کشور محسوب می‌شود. بنابراین برداشتن هر گامی در جهت ارتقای بهداشت روان باید مد نظر قرار گرفته و بر این اساس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع و کاربردی انجام گیرد.

## منابع:

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت
- اسفند آباد، حسن وامامی پور، سوزان (۱۳۸۲)، بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل موثر بر آن. فصلنامه پژوهش زنان. دوره ۱، شماره ۵
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی زنان کتک خورده. تهران، نشر سالی.
- انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران (۱۳۸۳)، گزارش سه ماهه اول ۱۳۸۳
- انجمن روانشناسی آمریکا (۲۰۰۰)، راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی. ویرایش چهارم، ترجمه محمدرضا نیکخو و هامایک آوادیس یانس (۱۳۸۱)، انتشارات سخن
- بهاری، رقیه (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی کودکان دختر و پسر در مراکز مداخله در بحران شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی رودهن
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه ی دکتر باقرساروخانی، تهران: انتشارات کیهان. چاپ چهارم
- تقی خانی، شیلا (۱۳۸۱)، بررسی ویژگیهای خانوادگی اقتصادی - اجتماعی، روانشناختی و شیوه های مقابله با استرس والدین کودک آزار. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء
- پورنقاش تهرانی، سید سعید (۱۳۸۴)، بررسی خشونت خانوادگی در خانواده های تهرانی، دو ماهنامه علمی- پژوهشی رفتار دانشور، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۱۳، خاک رنگین، مریم (۱۳۸۷)، عوامل خانوادگی مرتبط با کودک آزاری در آموزش و پرورش منطقه ۱۵ شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۳
- خضروی افلاک فر، (۱۳۷۸)، بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- خوشابی، کتابیون. حبیبی عسگرآبادی، مجتبی. فرزادفرد، سیده زینب و محمدخانی، پروانه (۱۳۸۶)، میزان شیوع کودک آزاری در دانش آموزان دوره راهنمایی شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم.
- زنگنه، محمد (۱۳۸۰)، "بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان
- سازمان جهانی بهداشت (۱۳۸۰)، خشونت علیه زنان، به ترجمه ی دکتر شهرام رفیعی و مهندس سعید پارسا نیا. انجمن آموزش بهداشت و ارتقای سلامت خانواده. نشر تندیس
- سجادی فرم، ظ. قاسم پور. محمد حسینی، م (۱۳۸۱)، بررسی فراوانی خشونت فیزیکی علیه زنان در مدت بارداری و رابطه ی آن با پیامدهای نامطلوب، رسانه دکتری، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
- صحبائی، فائزه. دواچی، اقدس. نجفی، زهرا (۱۳۸۵)، رابطه عوامل خانوادگی، روانی و اجتماعی بر کودک آزاری در دبستان های دولتی دخترانه تهران. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۱۰.

- شهینی بیلاق و دیگران (۱۳۸۶)، بررسی شیوع کودک‌آزاری و پیش‌بینی سلامت عمومی والدین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شهر اهواز، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
- عزیززاده، فاطمه (۱۳۸۵)، مقایسه اختلال‌های رفتاری و میزان عزت‌نفس در کودکان آزار دیده و آزار ندیده،
- پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران
- فرجاده، محمد حسین (۱۳۷۷)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر
- کاپلان، هارولد. سادوک، بنیامین و گرب، جک (۱۳۷۶)، خلاصه روان‌پزشکی، علوم رفتاری و روان‌پزشکی بالینی. جلد اول، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری. تهران، انتشارات شهر آب
- محمدخانی، پروانه (۱۳۷۸)، کودک‌آزاری، شیوع و انواع، ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان آزار دیده، کیفیت زندگی و سلامت عمومی والدین. پایان‌نامه دکتری روانشناسی تربیتی. تهران، دانشگاه علامه طباطبائی
- مدنی (قهفرخی)، سعید. (۱۳۸۳)، کودک‌آزاری در ایران، تهران، نشر اکنون.
- میکایلی، نیلوفر (۱۳۸۶)، بررسی شیوع کودک‌آزاری و پیش‌بینی این متغیر از طریق سلامت عمومی والدین، سازگاری، عزت‌نفس و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز و متغیرهای جمعیت-شناختی در دانش‌آموزان دختر آزار دیده و عادی دوره راهنمایی شهر اهواز، رساله دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز
- نوروزی، فاطمه (۱۳۷۲)، بررسی پیشینه کودک‌آزاری و بی‌توجهی در دانش‌آموزان ۱۸-۱۴ ساله تهرانی، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی (چاپ نشده)، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران
- نامداری، پریسا (۱۳۷۸)، بررسی میزان شیوع سوءرفتار در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر خرم‌آباد و تعیین عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به‌داشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
- همتی، رضا (۱۳۸۲)، عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان در خانواده‌ها. تهران. پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد پژوهشگری، تهران، دانشگاه شهیدبهبشتی

- Bardi, M. & Tarli, S.M. (2001), A survey on parent- child conflict resolution: intrafamily violence n Italy. Child abuse and neglect. 6, 836- 853.
- Belsky, J. (1993), Etiology of child maltreatment: A developmental ecological analysis. Psychological Bulletin, 114. PP. 413-434.
- Bonger, W., (1916), Criminality and Economic Conditions, Boston, Little, Brown and Company.

- Braithwaite, J.,(1979), *Inequality, Crime, and Public Policy*, London, Routledge & Kegan Paul.
- Brown, J, and Cohen. J. (1998), A longitudinal analysis of Risk factor for child martratcatment. *Child abuse neglect* Vol 22. No 11. PP. 1065-1078
- Corse, S., Schmidt, k. and Tricked, P.(1990), Social Network characteristics of mothers in abusing and no abusing families and their relationships to parenting beliefs. *Journal of Community Psychology*, 18, PP.44-59
- Duke, fnacef, A,. Belhadj, A.Bouasker, and R. ghachem (2003), violence against women in Arab abd. Islamic countries *archives of women's mental health* vol. 6,pp.1.
- Jacobs, J.(1965), *The Death and Life of Great American Cities*, New York,Vintage
- Marvasti JA (eds). *Child suffering in the world: Child maltreatment by parents, culture and governments in different countries and cultures*. Manchester: Sexual Trauma Center Publication; 2000.
- McLoyd, V.C. (1990), The impact of economic hardship on black families and children: Psychological distressing and socioemotional development. *Child Development*, 61. 311- 346.
- Merton, R., 1938, *Social Structure & Anomie*, *American Sociological Review*, 3, 672-682
- Muller, R.T., Goebel Fabre, A.E.& Diamond, T. (2000), *Social Support and the Relationship Between Family and Community Violence Exposure and Psychopathology among High-risk Adolescents, child Abuse and Neglect*, Vol 24, No4.
- Paavilainen, E., Astedt-kurki, P.and paunonen, M. (2000), Adolescent's experiences of maltreatment within the family challenges for family nursing. *Primary Health care Reserch and Devolopment*, 1.PP.235-241
- Peterson, R. D. and Bailey, W. C.,(1988), *Forcible, Rape, Poverty, and Economic Inequality in U.S. Metropolitan Communities*. *Journal of Quantitative Criminology*, 4:99-119

- 
- Resick, R.A and Reese, D.(1986), Perception of family social climate and physical aggression in the home. *Journal of Family Violence*, 1.PP.71-83.
  - Rosenbaum, A., and O'Leary, K. D. (2006), Children: The unintended Victims of marital violence. *Am. J. Orthopsychiatry* 51(4): 692-699
  - Straus, M.A. and Gilles, R.J. (1990), *Physical Violence in American Families*. New Brunswick NJ: Transaction.
  - Schechter, S. & D. Ganley. (1995). "Women and Male violence: The Visions and Struggle of the Battered Women's Movement", Boston: South End
  - Scher C, Forde DR, Mc Quaid J, Stein RMB. Prevalence and demographic correlates of childhood maltreatment in an adult community sample. *Child Abuse & Neglect*. 2004; 28(1): 167
  - United Nation (UN)., (1993), *Declaration on The Elimination of Violence Against Women*. New York, Gneral Assembly Resolution 48/104 of December 1993, (Resolution No. A/RES/48/104).
  - William J. Oliver,(2006), Lawrence R. Kuhns and Elaine S.

